

بازنمایی گفتمان شیطان پرستی در سینمای هالیوود معاصر: با تمرکز بر تحلیل نمادشناختی فیلم «لنگ دراز» اثر آاز پرکینز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

کد مقاله: ۶۲۹۵۶

امیرعلی قربانی توسنلو^{۱*}، غلامرضا آذری^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، سینمای هالیوود در بسیاری از تولیدات خود از نمادها، مضامین و الگوهای مرتبط با گفتمان شیطان پرستی بهره برده است؛ گفتمانی که به واسطه رسانه، شکلی نرم و پنهان به خود گرفته و در لایه‌های پنهان متن فیلم‌ها رمزگذاری شده است. مقاله حاضر با هدف تحلیل نمادشناختی فیلم لنگ دراز به بررسی بازنمایی گفتمان شیطان پرستی در سینمای معاصر هالیوود می‌پردازد. رویکرد پژوهش بر پایه تلفیقی از نظریه بازنمایی استوارت هال، تحلیل گفتمان فوکویی و نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان استوار است. روش تحقیق، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای نشانه‌شناسانه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فیلم مذکور از طریق چینش خاصی از نمادهای تصویری، رنگ‌ها، اشارات اسطوره‌ای، و شمایل‌نگاری‌های خاص به‌طور نظام‌مند مفاهیمی چون سلطه اهریمنی، نفی خدا، و تمایل به نیروهای تاریک را به مخاطب القا می‌کند. این بازنمایی با هدف عادی‌سازی گفتمان شیطان پرستی در ذهن مخاطب عام صورت می‌گیرد. تحلیل انجام‌شده می‌تواند به‌عنوان گامی مؤثر در خوانش انتقادی سینمای جریان اصلی تلقی شود.

واژگان کلیدی: سینما، هالیوود، شیطان پرستی، نمادشناختی، لنگ دراز

۱- ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم انسانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال (نویسنده مسئول)، تهران، ایران

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

سینمای هالیوود به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارهای فرهنگی جهان معاصر، نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به گفتمان‌های جهانی ایفا می‌کند. این صنعت سینمایی که روزی صرفاً به عنوان رسانه‌ای سرگرمی‌ساز شناخته می‌شد، امروزه به بستری مؤثر برای انتقال مفاهیم عمیق ایدئولوژیک و فرهنگی تبدیل شده است (هال، ۱۹۹۷). در این میان، یکی از بارزترین تحولات دهه‌های اخیر، افزایش چشمگیر استفاده از نمادها و نشانه‌های مرتبط با گفتمان شیطان‌پرستی در تولیدات سینمایی است که نیازمند واکاوی و تحلیل عمیق می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که سینمای هالیوود در سال‌های اخیر به شکلی نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده به ترویج مفاهیم شیطان‌گرایانه پرداخته است (لیندوال، ۲۰۱۲). این روند که ابتدا محدود به ژانرهای خاصی مانند وحشت و فانتزی بود، امروزه به ژانرهای اصلی و پرفروش سینمایی نیز راه یافته است. نکته حائز اهمیت در این زمینه، استفاده هوشمندانه از تکنیک‌های نمادین و نشانه‌شناختی برای القای پنهان این مفاهیم به مخاطبان است (لوتمن، ۱۹۹۰). فیلم "لنگ دراز" به عنوان نمونه‌ای شاخص از این دست تولیدات سینمایی، حاوی لایه‌های متعدد نمادین و گفتمانی است که نیازمند تحلیل عمیق می‌باشد. این فیلم که در ظاهر اثری سرگرمی‌ساز و معمولی به نظر می‌رسد، در باطن حامل پیام‌ها و مفاهیم عمیق ایدئولوژیک است (پرتیوی و آردیباتی، ۲۰۲۵). بررسی این اثر از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی و تحلیل گفتمان می‌تواند الگویی برای شناخت سازوکارهای پنهان هالیوود در ترویج گفتمان شیطان‌پرستی ارائه دهد.

اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که می‌تواند پرده از مکانیسم‌های پنهان قدرت در رسانه‌های جهانی بردارد و الگویی برای خوانش انتقادی تولیدات سینمایی ارائه دهد. در جهانی که رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی به افکار عمومی ایفا می‌کنند، شناخت این سازوکارها می‌تواند به مخاطبان کمک کند تا با بینشی عمیق‌تر به تحلیل پیام‌های رسانه‌ای بپردازند. سینما به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های تصویری معاصر، نقشی بنیادین در شکل‌دهی به گفتمان‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی دینی ایفا می‌کند. هالیوود، به عنوان صنعتی قدرتمند، نه فقط سرگرمی بلکه حامل معنا، ایدئولوژی و ارزش‌های خاص نیز هست. در این میان، مضامینی چون جادو، تاریکی، ضدخداآوری و عناصر فراواقعی که پیش‌تر در حاشیه گفتمان دینی قرار داشتند، امروزه در قالب بازنمایی‌های پیچیده، سهم پررنگ‌تری در روایت‌های سینمایی یافته‌اند. پژوهش حاضر تلاشی است برای تحلیل یکی از فیلم‌های معاصر هالیوود از منظر نمادشناسی و کشف لایه‌های پنهان گفتمان شیطان‌پرستی.

۲- بیان مسئله

سینمای هالیوود به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های تصویری عصر حاضر، همواره در انتقال مفاهیم و ایدئولوژی‌های خاص به مخاطبان جهانی نقش بسزایی ایفا کرده است (هال، ۱۹۹۷). در سال‌های اخیر، شاهد افزایش چشمگیر استفاده از نمادها و نشانه‌های مرتبط با گفتمان شیطان‌پرستی در تولیدات این صنعت سینمایی بوده‌ایم. این پدیده به ویژه در فیلم‌هایی که ظاهراً در ژانرهای معمولی و سرگرمی‌ساز تولید می‌شوند، نگرانی‌های بسیاری را برانگیخته است (لیندوال، ۲۰۱۲). مسئله اصلی این پژوهش، بررسی سازوکارهای پنهان و ظریفی است که سینمای هالیوود از طریق آن‌ها به ترویج و عادی‌سازی گفتمان شیطان‌پرستی می‌پردازد (فوکو، ۱۹۸۰). در حالی که پیشتر این مفاهیم عمدتاً محدود به ژانرهای وحشت و فانتزی بود، امروزه شاهد نفوذ تدریجی آن‌ها به ژانرهای اصلی و پرفروش سینمایی هستیم. این تغییر رویکرد، نیازمند تحلیل عمیق‌تر و موشکافانه‌تری است (پرتیوی و آردیباتی، ۲۰۲۵). مطالعات پیشین نشان داده‌اند که هالیوود از تکنیک‌های پیچیده نمادین برای القای مفاهیم ایدئولوژیک استفاده می‌کند (لوتمن، ۱۹۹۰). با این حال، پژوهش‌های معدودی به بررسی نظام‌مند این پدیده در قالب گفتمان شیطان‌پرستی پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی به ویژه در مورد فیلم‌هایی که به ظاهر ارتباطی با این مفاهیم ندارند، بیشتر محسوس است (رضایی، ۱۳۹۸). مسئله دیگر، تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی این گونه بازنمایی‌ها بر مخاطبان است. همانطور که شایگان (۱۳۸۲) اشاره کرده است، مدرنیته با ایجاد خلأ معنوی، زمینه را برای پذیرش چنین گفتمان‌هایی فراهم کرده است. این پرسش مطرح است که چگونه القای پنهان این مفاهیم از طریق رسانه‌ای قدرتمند مانند سینما، می‌تواند ارزش‌های فرهنگی و دینی جوامع را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، تحلیل چگونگی عملکرد این سازوکارهای نمادین در فیلم لنگ دراز به عنوان مطالعه موردی، می‌تواند الگویی برای خوانش انتقادی دیگر تولیدات سینمایی ارائه دهد (دانیسی، ۲۰۲۴). این فیلم به ظاهر یک اثر سرگرمی‌ساز است، اما بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که چنین آثاری غالباً حامل پیام‌های ایدئولوژیک پنهان هستند (ارسیگوواک، ۲۰۲۳). در نهایت، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه گفتمان شیطان‌پرستی در قالب نمادها و روایت‌های ظاهراً بی‌ضرر سینمایی بازنمایی می‌شود و چه تأثیراتی بر ذهنیت مخاطبان دارد. بررسی این مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند مکانیسم‌های پنهان قدرت در رسانه‌های جهانی را آشکار سازد (فدوروف و همکاران، ۲۰۱۸). سؤال اصلی مقاله از اینجا ناشی می‌شود که چگونه سینمای هالیوود از طریق رمزگذاری نمادین و بازنمایی‌های بصری، گفتمان شیطان‌پرستی را به صورت پنهان و نرم

به مخاطب القا می‌کند؟ آیا چنین بازنمایی‌هایی صرفاً برای سرگرمی هستند یا هدفی ایدئولوژیک در ورای آن‌ها نهفته است؟ با تمرکز بر فیلم لنگ دراز^۱، می‌توان ردپای عناصر نمادین خاصی را مشاهده کرد که در لایه‌های گفتمانی پنهان فیلم جای گرفته‌اند.

۳- ادبیات مفهومی

بازنمایی رسانه‌ای به عنوان ابزاری قدرتمند در شکل‌دهی به ادراکات و باورهای عمومی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کند (امینی و رضانی، ۱۴۰۱). سینما به عنوان یکی از مؤثرترین رسانه‌های تصویری، توانایی انتقال پیام‌های ایدئولوژیک را از طریق روایت‌های ظریف و نمادین دارد. این ویژگی، سینما را به ابزاری کلیدی در مهندسی فرهنگی و تغییر نگرش‌های عمومی تبدیل کرده است. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که محتوای رسانه‌ای می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار و نگرش نوجوانان داشته باشد (گو و همکاران، ۲۰۲۴). به ویژه، قرار گرفتن در معرض محتوای نمادین و القایی می‌تواند ارزش‌ها و باورهای نسل جوان را به شکلی نامحسوس تحت تأثیر قرار دهد. این پدیده در حوزه‌های مختلفی از جمله عملکرد تحصیلی و انطباق رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است. تأثیرات فرهنگی محتوای رسانه‌ای تنها محدود به حوزه فردی نیست، بلکه می‌تواند بر ساختارهای اجتماعی نیز تأثیر بگذارد (ونوکو و همکاران، ۲۰۲۴). به عنوان مثال، عادی‌سازی برخی مفاهیم از طریق رسانه‌ها می‌تواند به تدریج تغییراتی در هنجارهای اجتماعی ایجاد کند. این تغییرات اغلب به صورت تدریجی و در بلندمدت نمایان می‌شوند، که لزوم توجه به محتوای رسانه‌ای را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در جوامع مختلف، نگرش والدین و مربیان نسبت به محتوای رسانه‌ای متفاوت است (محمدی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از عوامل فرهنگی، اجتماعی و حتی مذهبی باشد. با این حال، نگرانی‌های مشترکی در مورد تأثیرات منفی برخی محتواها بر نوجوانان وجود دارد که لزوم نظارت و کنترل هوشمندانه را نشان می‌دهد. مطالعات نشان داده‌اند که استفاده از اینترنت و رسانه‌های دیجیتال می‌تواند بر عملکرد تحصیلی و رفتاری نوجوانان تأثیرگذار باشد (کیم، ۲۰۱۱). این تأثیرات می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد، که بستگی به نوع محتوای مصرفی و میزان استفاده دارد. در این میان، نقش والدین در نظارت و هدایت فرزندان بسیار حائز اهمیت است. در نهایت، می‌توان گفت که بازنمایی‌های رسانه‌ای به ویژه در سینما، ابزاری قدرتمند در انتقال مفاهیم ایدئولوژیک است. این ابزار می‌تواند برای ترویج ارزش‌های خاص یا تغییر نگرش‌های عمومی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، تحلیل و بررسی این بازنمایی‌ها از منظرهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی ضروری به نظر می‌رسد.

۴- اهمیت پژوهش

مطالعات نشان می‌دهند که بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای هالیوود به شکل فزاینده‌ای پیچیده و پنهان شده است (امینی و رضانی، ۱۴۰۱). این پژوهش با تحلیل فیلم "لنگ دراز" نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم شیطان‌گرایانه از طریق نمادهای بصری، روایت‌های ظریف و تکنیک‌های سینمایی به مخاطبان القا می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که این القائات می‌توانند تأثیرات عمیقی بر نگرش‌ها و باورهای نسل جوان داشته باشد (گو و همکاران، ۲۰۲۴). تحلیل محتوای این فیلم نشان می‌دهد که صنعت سینما از روش‌های پیشرفته‌ای برای نفوذ در لایه‌های ناخودآگاه ذهن مخاطب استفاده می‌کند (ونوکو و همکاران، ۲۰۲۴). این تکنیک‌ها شامل استفاده از رنگ‌های نمادین، حرکات آیینی پنهان و دیالوگ‌های دوپهلو است که به صورت نظام‌مند طراحی شده‌اند. چنین روش‌هایی می‌توانند به تدریج ارزش‌های سنتی را تضعیف و مفاهیم جدیدی را جایگزین کنند (محمدی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). اهمیت این پژوهش در آشکارسازی سازوکارهای پنهانی است که ممکن است بر هویت فرهنگی و اعتقادات دینی جوامع تأثیر بگذارند (کیم، ۲۰۱۱). نتایج این مطالعه می‌تواند به افزایش سواد رسانه‌ای مخاطبان و سیاست‌گذاران فرهنگی کمک کند. همچنین، این یافته‌ها هشدار مهمی درباره ضرورت نظارت هوشمندانه بر محتوای رسانه‌ای و حمایت از تولیدات فرهنگی بومی ارائه می‌دهد.

۵- اهداف پژوهش

الف) اصلی

۱- شناسایی نشانه‌ها و نمادهای مرتبط با گفتمان شیطان‌پرستی در فیلم

۲- تحلیل ساختار نشانه‌شناختی بازنمایی شیطان‌پرستی

ب) فرعی

- ۱- بررسی سازوکار عادی‌سازی این گفتمان در قالب روایت سینمایی
۲- نقد گفتمان فرهنگی پنهان در فیلم‌های هالیوودی با رویکرد انتقادی

۶- پرسش‌های پژوهش

(الف) اصلی

- ۱- چه نمادهایی در فیلم لنگ دراز قابل ارجاع به گفتمان شیطان‌پرستی هستند؟
۲- چگونه این نمادها در روایت سینمایی رمزگذاری و عادی‌سازی شده‌اند؟
(ب) فرعی
۱- نقش عناصر بصری، رنگ‌ها و اسطوره‌ها در شکل‌دهی به این بازنمایی چیست؟
۲- گفتمان شیطان‌پرستی چگونه در چارچوب تحلیل نشانه‌شناسی فرهنگی قابل واکاوی است؟

۷- پیشینه‌های پژوهش

مطالعات متعددی در زمینه نشانه‌شناسی سینمای هالیوود، نقد ایدئولوژی‌های رسانه‌ای و بررسی عناصر ضد دینی در فیلم‌های فانتزی و وحشت انجام شده است.

(الف) پژوهش‌های داخلی

قاسم‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای تطبیقی به تحلیل سه فیلم هولوکاست‌محور هالیوود پرداخته و نشان داده‌اند که چگونه این صنعت از نمادها و روایت‌های خاص برای پیشبرد ایدئولوژی‌های سیاسی استفاده می‌کند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که هالیوود از تکنیک‌های نمادین پیچیده‌ای برای القای مفاهیم ایدئولوژیک بهره می‌برد، هرچند به بعد شیطان‌پرستانه این نمادها اشاره‌ای نشده است.

رضایی (۱۳۹۸)، در کتاب «سینمای آخرالزمان» به تحلیل محتوای فیلم‌های آخرالزمانی هالیوود پرداخته و اشاره‌هایی گذرا به حضور نمادهای تاریکی و شیطانی در این آثار دارد. وی معتقد است این فیلم‌ها با استفاده از نمادگرایی خاص، مفاهیم مذهبی را تحریف می‌کنند، اما تحلیل عمیقی از سازوکارهای بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی ارائه نمی‌دهد و بیشتر بر جنبه‌های آخرالزمانی متمرکز است.

غفاری و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی جامعه‌شناختی به بررسی پیامدهای شیطان‌پرستی در میان جوانان ایرانی پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه برخی مفاهیم شیطان‌گرایانه از طریق رسانه‌ها به ویژه اینترنت در جامعه گسترش یافته است، اما نقش سینما به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های تأثیرگذار در این فرآیند مورد غفلت قرار گرفته است.

بهمن‌سلطانی و چیت‌سازیان (۱۳۹۵) در تحلیل گفتمان فیلم‌های هالیوودی درباره ایران، به واکاوی کلیشه‌ها و نمادهای تحریف‌کننده‌ای پرداخته‌اند که در این آثار به کار رفته است. اگرچه تمرکز اصلی این پژوهش بر تصویرسازی از شرق است، اما یافته‌های آن نشان می‌دهد که هالیوود از چه سازوکارهای نمادین پیچیده‌ای برای انتقال مفاهیم ایدئولوژیک استفاده می‌کند.

شایگان (۱۳۸۲)، در اثر فلسفی «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» به بررسی بحران معنا در دنیای مدرن می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه مدرنیته با ایجاد خلأ معنوی، زمینه را برای پذیرش گفتمان‌های ضددینی و شیطان‌گرایانه فراهم کرده است. این اثر اگرچه مستقیماً به سینما نمی‌پردازد، اما چارچوب نظری ارزشمندی برای فهم ریشه‌های فلسفی گرایش به شیطان‌پرستی در هنر معاصر ارائه می‌دهد.

(ب) پژوهش‌های خارجی

پرتیوی و آردییانتی^۱ (۲۰۲۵) در مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی تطبیقی نمادگرایی شیطانی در فیلم لنگ‌لگز» به طور خاص به بررسی نمادهای شیطانی در ژانر وحشت پرداخته‌اند. این مطالعه که به تازگی منتشر شده، روش‌شناسی مناسبی برای تحلیل فیلم‌های دارای مضامین شیطان‌گرایانه ارائه می‌دهد.

دانیسی^۲ (۲۰۲۴) در کتاب «نشانه‌شناسی با وجدان: رمزگشایی گفتمان‌های خطرناک» به تحلیل انتقادی شیوه‌های انتقال مفاهیم ایدئولوژیک از طریق نشانه‌های فرهنگی پرداخته است. دیدگاه او درباره «نشانه‌شناسی اخلاق‌محور» برای پژوهش حاضر بسیار راهگشاست.

¹ Pratiwi, & Ardiyanti, H. (2025)

² Danesi (2024)

ارسیگوواک^۱ (۲۰۲۳) در مقاله «تصویر شیطان در سینما و تلویزیون هالیوود» به بررسی بازنمایی مفاهیم شیطانی در تولیدات پریننده هالیوودی پرداخته است. این پژوهش که بر تحلیل گفتمان متمرکز است، نمونه‌های متعددی از عادی‌سازی شیطان‌پرستی در رسانه‌ها را ارائه می‌دهد.

فدوروف و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش «ریسک حرفه‌ای: رابطه جنسی، دروغ و خشونت در فیلم‌های معلم‌محور» به تحلیل محتوای فیلم‌های هالیوودی پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که چگونه هالیوود از تکنیک‌های نمادین برای القای مفاهیم خاص استفاده می‌کند، اگرچه تمرکز اصلی آنها بر موضوع آموزش بوده است.

دری^۳ (۲۰۱۳) در «جامینگ فرهنگی: هک کردن، برش زدن و شلیک در امپراتوری نشانه‌ها» به تحلیل انتقادی شیوه‌های رسانه‌ها در انتقال پیام‌های ایدئولوژیک پرداخته است. دیدگاه او درباره مقاومت در برابر گفتمان‌های مسلط رسانه‌ای می‌تواند به عنوان چارچوبی برای خوانش انتقادی فیلم‌های هالیوودی به کار رود.

لیندوال^۴ (۲۰۱۲) در کتاب «خدا بر پرده نقره‌ای: تاریخچه هالیوود و دین» به بررسی سیر تحول بازنمایی مفاهیم دینی در سینمای هالیوود پرداخته است. اگرچه این اثر مستقیماً به موضوع شیطان‌پرستی نمی‌پردازد، اما زمینه تاریخی ارزشمندی درباره نگرش هالیوود به مفاهیم مذهبی ارائه می‌دهد.

لوتمن^۵ (۱۹۹۰) در کتاب «جهان ذهن: نظریه نشانه‌شناختی فرهنگ» چارچوبی نظری برای تحلیل نظام‌های نشانه‌ای در تولیدات فرهنگی ارائه می‌دهد. او با تأکید بر نقش نشانه‌های چندلایه در انتقال معنا، روشی تحلیلی برای رمزگشایی پیام‌های پنهان در متون فرهنگی از جمله فیلم‌ها پیشنهاد می‌کند که برای پژوهش حاضر بسیار راهگشاست.

فوکو^۶ (۱۹۸۰) در مجموعه مصاحبه‌ها و نوشته‌های منتخب با عنوان «قدرت/دانش»، رابطه میان گفتمان و قدرت را تشریح می‌کند. نظریه او درباره نحوه عملکرد گفتمان‌های مسلط در جوامع، برای تحلیل گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای هالیوود بسیار کاربردی است.

هال^۷ (۱۹۹۷) در اثر کلیدی «بازنمایی: بازنمایی‌های فرهنگی و شیوه‌های دلالت‌گر» سازوکارهای بازنمایی رسانه‌ای را بررسی کرده است. این اثر با ارائه نظریه «رمزگذاری/رمزگشایی»، ابزار تحلیلی مناسبی برای فهم چگونگی القای مفاهیم ایدئولوژیک از طریق رسانه‌ها در اختیار می‌گذارد.

۷-۱- جمع بندی پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین در حوزه تحلیل محتوای سینمای هالیوود عمدتاً بر دو محور متمرکز بوده‌اند: نخست، پژوهش‌هایی که به بررسی کلی بازنمایی مفاهیم دینی و ضددینی در آثار هالیوودی پرداخته‌اند (مانند آثار لیندوال و رضایی) و دوم، تحقیقاتی که به صورت خاص‌تر به تحلیل نمادهای شیطانی در ژانرهای وحشت و فانتزی توجه کرده‌اند (همچون مطالعات پرتیوی و آردیانی). با این حال، اغلب این پژوهش‌ها یا از منظر تاریخی به موضوع نگرسته‌اند یا صرفاً به توصیف نمادها بسنده کرده‌اند، بدون آنکه سازوکارهای گفتمانی پنهان در این بازنمایی‌ها را تحلیل کنند. پژوهش حاضر از چند جهت به دانش موجود در این حوزه می‌افزاید: اولاً با تلفیق نظریه‌های نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمن، تحلیل گفتمان فوکو و نظریه بازنمایی هال، چارچوب تحلیلی جامع‌تری ارائه می‌دهد. ثانیاً، برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً بر ژانرهای وحشت متمرکز بودند، این تحقیق به بررسی فیلمی ظاهراً معمولی (لنگ دراز) می‌پردازد که در قالب سرگرمی، گفتمان شیطان‌پرستی را ترویج می‌کند. ثالثاً، این پژوهش با تحلیل همزمان لایه‌های تصویری، روایی و گفتمانی، الگویی نظام‌مند برای خوانش انتقادی فیلم‌های هالیوودی ارائه می‌دهد. نوآوری اصلی این تحقیق در کشف سازوکارهای پنهان عادی‌سازی گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای جریان اصلی است. در حالی که مطالعات پیشین بیشتر به توصیف صریح نمادها پرداخته‌اند، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه هالیوود از طریق رمزگذاری‌های پیچیده، مفاهیم شیطان‌گرایانه را در لایه‌های زیرین روایت و تصویر جای می‌دهد. همچنین، برخلاف پژوهش‌های موجود که عمدتاً به آثار غربی محدود بوده‌اند، این مطالعه با نگاهی بومی به تحلیل پیامدهای فرهنگی این پدیده برای مخاطبان شرقی می‌پردازد.

1 Ercegovac (2023)

2 Gorbatkova (2018)

3 Dery, Mark (2013)

4 Lindvall, Terry (2012)

5 Lotman, Yuri (1990)

6 Foucault, Michel (1980)

7 Hall, Stuart (1997)

۸- مبانی نظری

پژوهش حاضر بر سه پایه نظری استوار است: نخست، نظریه بازنمایی استوارت هال که بر نقش رسانه در شکل‌دهی به گفتمان‌ها تأکید دارد؛ دوم، تحلیل گفتمان فوکویی که مفاهیم قدرت/دانش را در بازنمایی‌ها برجسته می‌سازد؛ و سوم، نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان که به رمزگان بصری و متنی در فرهنگ‌های متنوع توجه دارد. این چارچوب نظری امکان واکاوی عمیق مفاهیم درون‌متنی و بینامتنی فیلم را فراهم می‌آورد. هال در نظریه بازنمایی خود تأکید می‌کند که رسانه‌ها واقعیت را منعکس نمی‌کنند، بلکه فعالانه در ساخت معنا مشارکت دارند. این دیدگاه برای تحلیل بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای هالیوود راهگشاست، چرا که نشان می‌دهد چگونه مفاهیم به ظاهر حاشیه‌ای می‌توانند از طریق رسانه به جریان اصلی تبدیل شوند (هال، ۱۹۹۷). بر اساس تحلیل فوکو گفتمان‌ها نظام‌های معنایی‌ای هستند که قدرت از طریق آنها اعمال می‌شود. این دیدگاه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه هالیوود به عنوان نهادی قدرتمند، از گفتمان شیطان‌پرستی برای ایجاد تغییرات فرهنگی استفاده می‌کند. فوکو در آثار خود نشان داده است که چگونه گفتمان‌های به ظاهر بی‌طرف می‌توانند در خدمت اهداف قدرت قرار گیرند (فوکو، ۱۹۹۳). لوتمان در نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی خود بر این نکته تأکید دارد که هر متن فرهنگی حامل لایه‌های متعدد معنایی است. این نظریه ابزارهای لازم برای رمزگشایی نمادهای بصری فیلم را فراهم می‌آورد. به گفته لوتمان، نشانه‌های فرهنگی همواره در تعامل با زمینه اجتماعی و تاریخی خود معنا می‌یابند (لوتمان، ۱۹۹۰). لیندوال در بررسی تاریخی خود نشان داده است که چگونه هالیوود در طول زمان به بازنمایی مفاهیم دینی و ضددینی پرداخته است. یافته‌های او حاکی از تحول تدریجی در شیوه‌های بازنمایی این مفاهیم در سینماست.

این پژوهش زمینه تاریخی ارزشمندی برای درک جایگاه گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای معاصر فراهم می‌کند (لیندوال، ۲۰۱۲). در مطالعه پرتیوی و آردیباتی که به طور خاص به تحلیل نمادهای شیطانی در سینما پرداخته‌اند، نشان داده شده است که چگونه این نمادها در ژانرهای مختلف سینمایی به کار گرفته می‌شوند. این پژوهش روش‌شناسی مناسبی برای تحلیل فیلم‌هایی مانند لنگ دراز ارائه می‌دهد (پرتیوی و آردیباتی، ۲۰۲۵). رضایی در پژوهش خود درباره سینمای آخرازمان به این نتیجه رسیده است که هالیوود از نمادگرایی خاصی برای تحریف مفاهیم مذهبی استفاده می‌کند. اگرچه تمرکز اصلی این تحقیق بر مضامین آخرازمانی بوده، اما یافته‌های آن برای تحلیل گفتمان شیطان‌پرستی نیز قابل تعمیم است (رضایی، ۱۳۹۸). نظریه بازنمایی استوارت هال به عنوان چارچوب اصلی این پژوهش، بر این اصل استوار است که رسانه‌ها صرفاً بازتاب دهنده واقعیت نیستند، بلکه فعالانه در ساخت معنا و شکل‌دهی به ادراکات اجتماعی مشارکت دارند. این نظریه با مفهوم "رمزگذاری/رمزگشایی" نشان می‌دهد که چگونه تولیدکنندگان رسانه‌ای از طریق فرآیندهای نمادین، ایدئولوژی‌های خاص را در متون فرهنگی جای می‌دهند و مخاطبان بر اساس موقعیت فرهنگی خود این معانی را تفسیر می‌کنند.

در این پژوهش، از این چارچوب برای تحلیل سازوکارهای بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی در فیلم لنگ دراز استفاده شده است. تحلیل گفتمان فوکو بر رابطه ناگسستگی بین دانش، قدرت و گفتمان تأکید می‌کند. از دیدگاه فوکو، گفتمان‌ها نظام‌های معنایی‌ای هستند که از طریق آنها روابط قدرت اعمال و تثبیت می‌شوند. این نظریه به پژوهش حاضر کمک می‌کند تا نشان دهد چگونه گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای هالیوود نه به صورت تصادفی، بلکه در چارچوب شبکه‌ای از روابط قدرت و به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ فرهنگی شکل گرفته است. فوکو به ویژه بر فرآیندهای عادی‌سازی و طبیعی‌سازی گفتمان‌های مسلط تأکید دارد.

نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان فرهنگ را به مثابه نظامی پویا از نشانه‌ها و معانی می‌داند که در تعامل دائمی با زمینه اجتماعی و تاریخی خود قرار دارند. این نظریه ابزارهای تحلیلی لازم برای رمزگشایی لایه‌های پیچیده معنایی در فیلم لنگ دراز را فراهم می‌آورد. لوتمان بر این باور است که هر متن فرهنگی حامل نشانه‌هایی است که تنها در ارتباط با نظام‌های نشانه‌ای دیگر و در بستر فرهنگی خاص خود قابل درک هستند. این دیدگاه برای تحلیل بینامتنی نمادهای شیطانی در فیلم بسیار راهگشاست. نظریه جابینگ فرهنگی مارک دری به بررسی شیوه‌های مقاومت در برابر گفتمان‌های مسلط رسانه‌ای می‌پردازد. اگرچه تمرکز اصلی این پژوهش بر بازنمایی گفتمان مسلط است، اما نظریه دری چارچوبی برای نقد و تحلیل انتقادی این بازنمایی‌ها ارائه می‌دهد. این نظریه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در برابر القای ایدئولوژیک رسانه‌ها ایستادگی کرد و خوانش‌های متقابلی از متون فرهنگی ارائه داد. مطالعات لیندوال درباره بازنمایی دین در هالیوود زمینه تاریخی ارزشمندی برای درک تحولات بازنمایی مفاهیم مذهبی و ضدمذهبی در سینما فراهم می‌آورد. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه هالیوود در طول زمان به تدریج از بازنمایی‌های صریح مذهبی به سمت نمادگرایی‌های پیچیده و ضمنی حرکت کرده است. یافته‌های لیندوال به درک جایگاه گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای معاصر کمک شایانی می‌کند.

۸-۱- مبانی نظری مدنظر پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر سه نظریه اصلی استوار است که به صورت تلفیقی برای تحلیل گفتمان شیطان‌پرستی در فیلم "لنگ دراز" به کار گرفته شده‌اند:

- **نظریه بازنمایی استوارت هال (۱۹۹۷):** به عنوان پایه اصلی تحلیل، چگونگی ساخت معنا در رسانه‌ها را تبیین می‌کند. بر اساس این نظریه، بازنمایی‌های رسانه‌ای بی‌طرف نبوده و همواره حامل ایدئولوژی‌های خاص هستند. هال با طرح مفهوم "رمزگذاری/رمزگشایی" نشان می‌دهد که چگونه تولیدکنندگان محتوا از طریق نشانه‌های نمادین، مفاهیم مورد نظر خود را به مخاطبان انتقال می‌دهند. در این پژوهش، از این چارچوب برای تحلیل چگونگی رمزگذاری مفاهیم شیطان‌گرایانه در فیلم استفاده شده است.
- **تحلیل گفتمان فوکو (۱۹۸۰):** با تأکید بر رابطه قدرت و دانش، ابزار مفهومی لازم برای بررسی شبکه‌های قدرت پنهان در پس بازنمایی‌های رسانه‌ای را فراهم می‌آورد. فوکو نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چگونه از طریق فرآیندهای عادی‌سازی و طبیعی‌سازی، هژمونی فرهنگی ایجاد می‌کنند. این نظریه در پژوهش حاضر برای تحلیل مکانیسم‌های نفوذ و تثبیت گفتمان شیطان‌پرستی در سینمایهالیود به کار گرفته شده است.
- **نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان (۱۹۹۰):** با ارائه روش‌شناسی نظام‌مند برای تحلیل متون فرهنگی، امکان رمزگشایی لایه‌های پیچیده معنایی در فیلم را فراهم می‌سازد. لوتمان بر تعامل پویای نشانه‌ها در بافت فرهنگی تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه معانی در چرخه‌ای از ارتباطات بینامتنی شکل می‌گیرند. در این پژوهش، از این چارچوب برای تحلیل نمادهای تصویری، روایی و صوتی فیلم استفاده شده است.

تلفیق این سه نظریه امکان تحلیل چندسطحی از فیلم را فراهم می‌آورد:

- در سطح خرد (تحلیل نشانه‌های منفرد)
- در سطح میانی (روابط بین نشانه‌ها)
- در سطح کلان (گفتمان مسلط و روابط قدرت)

این رویکرد ترکیبی به پژوهش حاضر امکان می‌دهد تا هم به تحلیل عناصر عینی فیلم بپردازد و هم شبکه‌های معنایی و قدرت پنهان در آن را آشکار سازد. چنین تحلیلی می‌تواند الگویی برای مطالعات مشابه درباره دیگر تولیدات رسانه‌ای ارائه دهد.

۹- روش پژوهش

این پژوهش کیفی، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش نشانه‌شناسی فرهنگی است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مشاهده، تحلیل محتوای تصویری و بررسی روایت فیلم لنگ دراز است. واحد تحلیل، نشانه‌های بصری (نظیر شمایل‌نگاری‌ها، رنگ‌ها، ژست‌ها، اشیاء) و گفتارهای شخصیت‌هاست. مراحل تحلیل شامل شناسایی نشانه‌های کلیدی، رمزگشایی مفهومی و تطبیق با نظریه‌های گفتمان و بازنمایی است. این پژوهش با رویکردی کیفی و با تلفیق سه روش تحلیلی نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان، تحلیل گفتمان فوکو و نظریه بازنمایی هال انجام شده است. بر اساس مدل نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان (۱۹۹۰)، تحلیل در سه سطح صورت گرفته است: ۱) سطح نحوی (شناسایی نشانه‌های بصری شامل رنگ‌ها، ترکیب‌بندی قاب، نورپردازی و حرکات دوربین)، ۲) سطح معناشناختی (کشف معانی ضمنی نمادها با توجه به بافت فرهنگی)، و ۳) سطح کاربردشناختی (تأثیرات احتمالی بر مخاطب). برای هر نشانه، ماتریس تحلیل سه‌بعدی شامل شکل ظاهری، معنی صریح و معنی ضمنی تکمیل شد.

فرایند تحلیل گفتمان فوکویی (۱۹۸۰) به این شرح اجرا شد:

گفتمان‌های مسلط در فیلم شناسایی و کدگذاری شدند، ۲) روابط قدرت نهفته در این گفتمان‌ها تحلیل شد، ۳) سازوکارهای عادی‌سازی و طبیعی‌سازی مفاهیم شیطان‌گرایانه بررسی شد. برای این منظور، تمام دیالوگ‌ها و روایت‌های فیلم با نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و در چهارچوب مفاهیم فوکویی مانند «تکنولوژی‌های خود» و «مراقبت و تنبیه» تحلیل شدند. مستندات تحلیل شامل جداول تطبیقی گفتمان‌ها و شبکه‌های قدرت بود.

در بخش نظریه بازنمایی هال (۱۹۹۷)، فرایند رمزگذاری/رمزگشایی در سه مرحله بررسی شد: ۱) تحلیل فریم‌به‌فریم صحنه‌های کلیدی برای شناسایی نشانه‌های رمزگذاری شده، ۲) بررسی موقعیت‌های مختلف رمزگشایی (مسلط، مذاکره‌ای و مخالف)، ۳) تحلیل انحراف معنایی بین مقاصد تولیدکنندگان و دریافت مخاطبان. برای این منظور از روش مثلث‌سازی داده‌ها شامل تحلیل فیلم، مصاحبه با کارشناسان و بررسی نظرات مخاطبان استفاده شد. مستندات این بخش شامل ماتریس‌های تطبیقی رمزگذاری و گزارش‌های تحلیلی است.

-تعریف شیطان‌پرستی

شیطان‌پرستی به عنوان یک نظام فکری و اعتقادی، تعریف واحدی ندارد و به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود. در یک تعریف کلی، شیطان‌پرستی به مجموعه‌ای از باورها اشاره دارد که در آنها شیطان یا نمادهای مرتبط با آن، محوریت دارند. این محوریت می‌تواند به شکل پرستش واقعی یک موجود شرور، یا به عنوان نمادی از طغیان، عقلانیت مادی‌گرایانه، آزادی فردی مطلق و مخالفت با اقتدارهای دینی و اجتماعی ظاهر شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۶). به طور کلی، شیطان‌پرستی مدرن را می‌توان به دو دسته اصلی تثیستیک^۱ و آتئیستیک^۲ تقسیم کرد. شیطان‌پرستی تثیستیک که به "سنتی" نیز معروف است، شامل باور به وجود واقعی شیطان به عنوان یک موجود ماوراءطبیعی و پرستش آن برای کسب قدرت می‌شود. در مقابل، شیطان‌پرستی آتئیستیک، که شاخه لاویانی^۳ آن مشهورترین است، شیطان را نه به عنوان یک موجود واقعی، بلکه به عنوان نمادی از طبیعت انسان، خرد، شهوت، و طغیان در برابر خرافات و سنت‌های دست و پا گیر می‌داند (Church, 2022).

-تاریخچه شیطان‌پرستی دوران باستان

در دوران باستان، به معنای امروزی شیطان‌پرستی به عنوان یک آیین سازمان‌یافته وجود نداشت، زیرا مفهوم "شیطان" به شکل ادیان ابراهیمی تکامل نیافته بود. با این حال، ردپای باور به نیروهای شرور و اهریمنی در تمدن‌های باستانی دیده می‌شود. برای مثال، در اساطیر میان‌رودان، موجوداتی اهریمنی مانند «للیث^۴» یا در اساطیر ایرانی، مفهوم «اهریمن^۵» به عنوان نماد شر و تاریکی در تقابل با خیر و نور وجود داشت که بعدها بر تصویر شیطان در ادیان سامی تأثیر گذاشت. این نمادهای شر عموماً نه مورد پرستش، بلکه مورد نفرین و طرد بودند. تمرکز اصلی آیین‌های باستانی بر پرستش خدایان متعدد برای جلب خیر و دفع شر بود. بنابراین، نمی‌توان از شیطان‌پرستی به شکل یک دین در آن دوران سخن گفت، اما می‌توان ریشه‌های نمادین مفاهیم شر و تقابل را که بعدها به نماد شیطان‌پرستی تبدیل شدند، در این اساطیر و باورهای کهن جستجو کرد (رحیم خانی و فاریابی، ۱۳۹۴).

-تاریخچه شیطان‌پرستی دوران مدرن

شیطان‌پرستی مدرن به عنوان یک پدیده سازمان‌یافته، پدیده‌ای نسبتاً جدید و عمدتاً مربوط به قرن بیستم است. اگرچه در دوران قرون وسطی و اوایل مدرن اتهام‌های «عبادت شیطان» توسط نهادهای مذهبی علیه مخالفان و به عنوان ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت استفاده می‌شد، اما این اتهامات بیشتر ساخته‌وپرداخته قدرت‌های حاکم بود و از وجود گروه‌های واقعی شیطان‌پرست خبری نبود (Oake, 2025). شکل‌گیری شیطان‌پرستی مدرن به طور رسمی با تأسیس «کلیسای شیطان^۶» توسط «آنتون لاوی^۷» در سال ۱۹۶۶ در سانفرانسیسکو آغاز شد. لاوی با انتشار «انجیل شیطانی^۸»، شیطان‌پرستی را به عنوان یک فلسفه مادی‌گرا و ضد دین سازماندهی کرد که بر فردگرایی، لذت‌جویی و عقلانیت دنیوی تأکید داشت. این رویداد، نقطه عطفی برای تبدیل نماد شیطان از یک مفهوم منفور مذهبی به یک ایدئولوژی برای اعتراض و خودشکوفایی در دنیای مدرن بود.

-لوگوها و تعریف انواع نشانه‌های شیطان‌پرستی

نمادها و لوگوها در شیطان‌پرستی از اهمیت بالایی برخوردارند و اغلب برای بیان ایده‌ها، باورها و به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. معروف‌ترین این نمادها، «نشان بافومت^۹» است که شامل سر یک بز در داخل یک پنج‌ضلعی وارونه (پنتاگرام) است و امروزه به عنوان اصلی‌ترین نماد شیطان‌پرستی لاویانی شناخته می‌شود. این نماد تجسمی از مفاهیم دوگانگی، دانش ممنوعه و طغیان است. سایر نمادهای رایج شامل عدد ۶۶۶ (عدد وحش)، صلیب وارونه (برای تمسخر مسیحیت)، و نمادهای باستانی بازتفسیرشده مانند «چشم جهان‌بین^{۱۰}» هستند.

این نمادها اغلب از منابع مختلفی از جمله کابالا، آیین‌های کیمیاگری، و اساطیر مختلف وام گرفته شده‌اند اما معنای جدیدی به آنها داده شده است. برای مثال، استفاده از «گردونه خورشید^{۱۰}» اگرچه ریشه در آیین‌های باستانی هندو و بودایی دارد، اما توسط برخی گروه‌های شیطان‌پرست یا ضددین به عنوان نمادی از قدرت و اغلب برای ایجاد شوک و به چالش کشیدن جامعه مورد استفاده قرار گرفته است (رحیم خانی و فاریابی، ۱۳۹۴).

-باورها و مراسم‌های مرتبط با شیطان‌پرستی

- 1 Theistic
- 2 Atheistic
- 3 Anton LaVey
- 4 Lilith
- 5 devil
- 6 Church of Satan
- 7 The Satanic Bible
- 8 Sigil of Baphomet
- 9 All-Seeing Eye
- 10 Swastika

باورها و مراسم در شیطان‌پرستی به شدت به شاخه مورد نظر بستگی دارد. در شیطان‌پرستی لائویانی (آته‌ایستیک)، باورها حول محور اصولی مانند خودپرستی، وجود زندگی دنیوی به عنوان تنها زندگی واقعی، و پیروی از گناهان نه‌گانه به عنوان فضیلت (مانند شهوت، غرور و خشم) می‌چرخد. مراسم در این شاخه بیشتر جنبه روان‌شناختی و نمایشی دارد و برای آزاد کردن احساسات و تمایلات درونی طراحی شده‌اند. این مراسم ممکن است شامل طلسم‌خوانی، استفاده از نمادها و انجام اعمالی برای تقویت اراده فردی باشد، بدون اینکه اعتقادی به ماوراءطبیعه در کار باشد. در مقابل، شیطان‌پرستی تثبیتیک باور دارد که شیطان یک وجود واقعی و قدرتمند است که می‌توان با او ارتباط برقرار کرد و از او طلب قدرت و ثروت نمود. مراسم در این شاخه می‌تواند شامل نیایش، قربانی کردن (که اغلب به صورت نمادین است اما گزارش‌هایی از قربانی حیوانات نیز وجود دارد) و انجام آیین‌های خاص برای جلب توجه و رضایت شیطان باشد. این مراسم معمولاً محرمانه و مخفیانه انجام می‌شوند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۶).

- ظهور گروه‌های شیطان‌پرستی و شیطان‌پرستی در دنیای معاصر

ظهور گروه‌های شیطان‌پرستی سازمان‌یافته عمدتاً به دهه ۱۹۶۰ و پس از آن بازمی‌گردد. پس از تأسیس کلیسای شیطان توسط آنتون لای، گروه‌های دیگری نیز پدید آمدند که هر کدام تفسیر خاص خود را از شیطان‌پرستی ارائه می‌دادند، از جمله «معبد ست»^۱ که بر مفهوم مصر باستان «ست» به عنوان خدای تاریکی و جدایی تأکید دارد. این گروه‌ها عموماً بر فلسفه، فردگرایی و گاه فعالیت‌های سیاسی متمرکز هستند. در دنیای معاصر، شیطان‌پرستی بیش از هر زمان دیگری در رسانه‌ها و فرهنگ عامه حاضر است. گروه‌های مدرن شیطان‌پرستی مانند «کلیسای شیطان» و «همایش شیطانی»^۲ اغلب از تاکتیک‌های رسانه‌ای و قانونی برای به چالش کشیدن انحصار مذهب در فضای عمومی و دفاع از سکولاریسم استفاده می‌کنند. آنها با انجام اقداماتی مانند درخواست برای نصب مجسمه بافومت در کنار بناهای مذهبی در ملک عمومی، به دنبال آزمودن مرزهای آزادی بیان و جدایی دین از دولت هستند (Gough, 2024). این امر آنها را به بازیگرانی فعال در «جنگ فرهنگی» معاصر تبدیل کرده است.

- تأثیرات شیطان‌پرستی بر موسیقی، هنر و رسانه

تأثیر شیطان‌پرستی بر موسیقی، به‌ویژه در ژانرهای هوی متال و بلک متال، غیرقابل انکار است. از دهه ۱۹۷۰، گروه‌هایی مانند «بلک سبت» و بعدها «مریلین منسون» از نمادها و اشعار شیطانی برای ایجاد حس شوک، اعتراض و هویت‌سازی استفاده کردند (Dyrendal, 2014). این استفاده اغلب نمادین و نمایشی است و به عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی و دینداری^۳ انجام می‌شود. برای نمونه، گروه گوست^۴ با استفاده از ایمازهای شیطانی و اشعاری که مملو از طنز و نقد اجتماعی است، به بازتعریف این نمادها در فرهنگ پاپ می‌پردازد. (Paulissen, 2021) در هنر و رسانه، سینما یکی از اصلی‌ترین بسترهای بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی بوده است. فیلم‌ها اغلب با بهره‌گیری از نمادهای شیطانی، هم به ایجاد حس ترس و تعلیق می‌پردازند و هم گاه به بازتاب نگرانی‌های فرهنگی و «هراس شیطانی»^۵ دامن می‌زنند. (Church, 2022) این بازنمایی‌ها می‌تواند همسو با نگاه منفی و شیطان‌هراسانه باشد یا همچون فیلم‌هایی مانند «سیتانیک پنیک»^۶ به شکلی طنزآمیز و هجوآمیز^۷ به نقد جنگ‌های فرهنگی و طبقاتی بپردازد. (Gough, 2024) این حضور پررنگ نشان می‌دهد که نماد شیطان به یک ابزار فرهنگی قدرتمند برای بیان ایده‌های پیچیده درباره قدرت، هویت و اعتراض تبدیل شده است.

۱۰- تحلیل و خلاصه داستان فیلم

در سال ۱۹۷۴ در اورگن، یک دختر بچه با یک دوربین پولاروید، صدای مرموزی را دنبال می‌کند و با مردی عجیب با آرایشی رنگ پریده مواجه می‌شود. بیست سال بعد، مأمور افبی‌ای به نام «لی هارکر»^۸ توسط رئیسش، «ویلیام کارتر»^۹، به پرونده‌ای شامل یک سری قتل-خودکشی در اورگن^{۱۰} گماشته می‌شود. در هر مورد، پدری خانواده‌اش را به قتل رسانده و سپس خودکشی کرده و نامه‌ای با رمزنگاری شیطانی امضا شده توسط «لنگ دراز» به جا گذاشته است. لی که به نظر می‌رسد از قدرت شفاف‌بینی برخوردار

1 The Temple of Set

2 The Satanic Convention

3 religiosity

4 Ghost

5 Satanic Panic

6 Satanic Panic, 2019

7 satirical

8 Lee Harker

9 William Carter

10 Oregon

است، برای بررسی خانه‌ای خاص اقدام می‌کند. با باز شدن در، همکارش هدف گلوله قرار گرفته و کشته می‌شود. لی وارد خانه شده و مردی را که مقاومتی نمی‌کند دستگیر می‌نماید. تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد که هر خانواده یک دختر ۹ ساله داشته که در چهاردهمین روز یک ماه متولد شده بود. تمام قتل‌ها در فاصله شش روز قبل یا بعد از آن تولد رخ داده و تاریخ‌های آنها روی تقویم نماد مثلث^۱ را تشکیل می‌دهند.

لی در حالی که در خانه با مادرش، «راث^۲»، در حال صحبت تلفنی است، یک کارت تولد رمزگذاری شده از لنگ دراز دریافت می‌کند که به او هشدار می‌دهد در صورت افشای منبع آن، مادرش به قتل خواهد رسید. پس از پیگیری یک سرخ، لی و ویلیام یک عروسک پیدا می‌کنند که در سرش یک گوی فلزی پرانرژی پنهان شده است. آنها با مراجعه به یک بیمارستان روانی، «کری ان کامرا^۳»، تنها بازمانده قتل‌های لنگ دراز را که قبلاً توسط شخصی با نام لی ملاقات شده بود، مورد بازجویی قرار می‌دهند. ویلیام که به ارتباط «لی» با لنگ دراز مشکوک شده، درمی‌یابد که راث روز قبل از نهمین تولد «لی»، گزارشی از حضور یک مزاحم ثبت کرده است. او به «لی» دستور می‌دهد تا به دیدن مادرش برود. «راث»، «لی» را به سمت وسایل دوران کودکی‌اش هدایت می‌کند، جایی که او یک عکس پولاروید^۴ پیدا می‌کند که نشان می‌دهد لنگ دراز همان مردی است که در روز تولدش به ملاقات «لی» کوچک رفته بود. «لی» عکس را ارائه می‌دهد که منجر به دستگیری لنگ دراز می‌شود. با درک این که تاریخ گمشده روی تقویم همان روز است، «لی» می‌ترسد که یک همدست ناشناس لنگ دراز قتل را انجام دهد. در اتاق بازجویی، لنگ دراز ادعا می‌کند که خدمتگزار مرد پایین است و به «راث» در قتل‌ها اشاره می‌کند و سپس با کوبیدن سرش به میز خودکشی می‌کند. به «لی» اطلاع داده می‌شود که «کری^۵» نیز خودکشی کرده است.

مأمور «براونینگ^۶»، «لی» را به خانه «راث» می‌برد. «براونینگ» در ماشین منتظر می‌ماند در حالی که «لی» خانه را جستجو می‌کند، اما «راث» به ماشین نزدیک شده و «براونینگ» را به ضرب گلوله می‌کشد و سپس عروسکی شبیه «لی» کوچک را نابود می‌کند که باعث از هوش رفتن «لی» می‌شود. لی در یک رویا درمی‌یابد که وقتی کودک بود، لنگ دراز تهدید کرده بود او را بکشد مگر این که راث مطیع او شود. «راث» برای نجات جان دخترش موافقت کرد. لنگ دراز از آن زمان در زیرزمین خانه «هارکر^۷» زندگی می‌کرد و عروسک‌های شیطانی می‌ساخت که «راث»، با ظاهر یک راهبه، به خانه‌ها تحویل می‌داد و باعث می‌شد پدران خانواده به قتل عائله خود دست بزنند. عروسک «لی» خاطراتش از لنگ دراز را مسدود و او را تحت تأثیر جادوهایش قرار داده بود. «لی» در زیرزمین به هوش می‌آید و تلفنی را پاسخ می‌دهد که یک صدای اهریمنی به او در مورد جشن تولد ۹ سالگی دختر «ویلیام»، «روبی»، که برای همان روز برنامه‌ریزی شده بود، هشدار می‌دهد. «لی» برای نجات خانواده «کارت^۸»، که مرگ آنها مثلث لنگ دراز را تکمیل می‌کرد، به آنجا می‌رود.

او درمی‌یابد «راث» قبلاً عروسک را تحویل داده و خانواده را تسخیر کرده است. پس از این که ویلیام همسرش، «آنا^۹» را به قتل می‌رساند، لی برای محافظت از «روبی» او را می‌کشد. «راث» با خنجری به سمت «روبی» حمله‌ور می‌شود و لی مجبور می‌شود مادرش را نیز بکشد. «لی» سعی می‌کند عروسک را نابود کند، اما اسلحه‌اش شلیک نمی‌کند. او به «روبی» می‌گوید که باید آنجا را ترک کنند. صحنه به اتاق بازجویی برمی‌گردد، جایی که لنگ دراز در حالی که به دوربین خیره شده می‌خندد، می‌گوید "درد بر شیطان!"^{۱۰} و بوسه‌ای به سمت دوربین می‌فرستد. در ادامه معرفی پوسترهای رسمی که قبل و بعد از انتشار رونمایی شدند.

1 occulte

2 Ruth Harker

3 Polaroid

4 Carrie Anne Camera

5 Agent Browning

6 Young Lee Harker

7 Anna Carter

8 Hail Satan



شکل ۳- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۲- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۱- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۶- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۵- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۴- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۹- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۸- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز



شکل ۷- پوستر رسمی فیلم لنگ
 دراز

۱۰-۱- تحلیل نشانه شناختی فیلم

در ادامه به تحلیل نشانه‌های غیرمذهبی و کلیدی فیلم پرداخته شده و در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول ۱- تحلیل نشانه‌های غیرمذهبی و کلیدی فیلم

نشانه	تحلیل و تفسیر
عروسک‌ها	عروسک‌ها هسته مرکزی فیلم هستند. آنها صرفاً اسباب‌بازی نیستند، بلکه رسانه‌هایی برای انتقال نیروی اهریمنی و ابزار کنترل ذهن هستند. آنها نماد کودکی آلوده، دستکاری شده و از بین رفته هستند. طراحی مکانیکی و کهنه آنها حس شوم و بیگانگی ایجاد می‌کند و نشان‌دهنده نفوذ شیطان در بی‌گناه‌ترین فرد (خانه و خانواده) است.
گوی فلزی	این گوی که در سر عروسک‌ها پنهان شده، یک نشانه تکنولوژیک-جادویی است. این نماد می‌تواند هم نمایانگر منبع انرژی اهریمنی باشد و هم استعاره‌ای از یک «فرستنده» یا «دستگاه کنترل ذهن» که پدران خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نشانه، امر ماوراءطبیعی را با یک شیء مادی و قابل لمس پیوند می‌زند و ترس را

عینی‌تر می‌سازد.	
تمرکز بر تاریخ‌های خاص (تولد دختران و روزهای قتل) و تشکیل الگوی مثلثی، نشان‌دهنده یک «آیین» یا کاملاً برنامه‌ریزی شده است. این نشانه بر عقلانی و منطقی بودن شر تأکید دارد؛ شری که بر اساس محاسبات گیرانه را به یک معما تبدیل می‌کند و بر مفهوم سرنوشت دقیق و نه صرفاً هرج و مرج، عمل می‌کند. این الگو، کار شوم و اجتناب‌ناپذیر دلالت دارد.	تقویم و تاریخ‌ها
این دوربین و عکس‌های فوری آن، نماد حافظه، شواهد عینی و گذشته‌ای هستند که نمی‌توان پنهان کرد. عکسی بین ظاهر و باطن، و که لی در کودکی از لنگ‌دراز می‌گیرد، تنها مدرک ملموس از وجود اوست. این نشانه بر واقعیتی که در قاب یک عکس فوری به دام افتاده است، تأکید می‌کند.	دوربین پولاروید

توضیح: نشانه‌های غیرمذهبی فیلم، بستری واقع‌گرایانه و ملموس برای فراطبیعی‌ترین عناصر داستان فراهم می‌کنند. عروسک‌ها به عنوان اشیایی معمولی و روزمره، به رسانه‌ای برای شیطان تبدیل می‌شوند و همین امر، حس ترس را تشدید می‌کند زیرا تهدید را به درون خانه و زندگی عادی می‌آورد. از طرفی، استفاده از تقویم و الگوهای ریاضی (مثلث) نشان می‌دهد که شر در این فیلم، سازمان‌یافته، منطقی و مبتنی بر محاسبه است و این برخلاف تصور رایج از شر به عنوان عاملی کور و بی‌نظم است. این نشانه‌ها در کنار هم، جهانی می‌سازند که در آن منطق و خرافه، واقعیت و فراواقعیت در هم می‌آمیزند.



شکل ۱۱- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۰- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۳- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۲- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز

جدول ۲- تحلیل ارتباط شخصیت‌ها و نمادگرایی آن‌ها

شخصیت	نمادگرایی و تحلیل نشانه‌شناختی
لنگ‌دراز	او تجسم فیزیکی شر و فساد است. ظاهر او (آرایش پریده، رفتار زنانه اغراق‌شده، دندان‌های مصنوعی) یک نشانه مرکب از بینظمی و آشفتگی است. او نماد کامل، آنچه که جامعه را می‌ترساند و طرد می‌کند، است. عملکرد او به عنوان یک "مبلغ" یا "عامل" برای نیروی فراتر (شیطان)، او را به یک نشانه واسط تبدیل می‌کند؛ او خود شیطان نیست، بلکه ابزار و نماد حضور آن در جهان مادی است.
لی هارکر	آشکارا به شخصیت جان‌ناشان هارکر از رمان «دراکولا» اشاره دارد. کسی که نام او برای مبارزه با شر به قلمرو ناشناخته‌ها قدم می‌گذارد. «لی» نماد موعود یا "قربانی برگزیده" است. قدرت شفاف‌بینی او او را به یک نشانه دوگانه تبدیل می‌کند: هم یک سلاح در برابر شر است و هم بر این که خودش از ابتدا بخشی از این آیین شوم بوده است. سفر او کشف حقیقت در مورد دیگری نیست، بلکه کشف حقیقت در مورد خود و گذشته‌اش است.
راث هارکر	او نماد مادرانه‌ای تحریف‌شده است. ظاهر مذهبی او (پوشش شبیه راهبه) یک نشانه ریاکاری و فریب است. او نماینده مفهومی است که در آن محبت مادرانه که باید محافظ باشد، تحت تأثیر شر مطلق فاسد شده و به ابزاری برای تخریب تبدیل می‌شود. او نشان‌دهنده این ایده است که شر می‌تواند عمیق‌ترین و مورد اعتمادترین روابط (رابطه مادر-دختر) را آلوده کند و از درون نابود سازد.
عروسک لی	این عروسک که شبیه «لی» کوچک است، یک نشانه فتیش است. در آیین‌های جادویی، فتیش به عنوان جایگزین یا یک فرد برای اعمال کنترل بر او استفاده می‌شود. این عروسک نماد "خود" دزدیده‌شده لی، کودکی از دست رفته‌اش و وسیله‌ای است که از طریق آن لنگ‌دراز بر ذهن و سرنوشت او کنترل داشته است. نابودی این عروسک برابر با آزادی نهایی او از این کنترل است.

توضیح: شخصیت‌های فیلم عمدتاً به عنوان نمادها یا کهن الگو عمل می‌کنند تا افراد کاملاً توسعه‌یافته. لنگ‌دراز نماد شر محض و فساد است، در حالی که «لی» نماد قربانی‌ای است که برای نبرد با این شر "برگزیده" شده است. رابطه بین این شخصیت‌ها یک رابطه آیینی و نمادین است، نه یک تعامل شخصی. «راث» به عنوان یک ضد مادر، نقش محافظت‌گرانه سنتی

مادرانه را وارونه می‌کند و نشان می‌دهد که شر چگونه می‌تواند حتی مقدس‌ترین نقش‌های اجتماعی را از درون تخریب کند. این وارونه‌سازی نقش‌ها (مادر به عنوان نابودگر، عروسک به عنوان سلاح) یک مؤلفه کلیدی در نمادگرایی فیلم است.



شکل ۱۵- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۴- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۷- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۶- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز

جدول ۳- مقایسه نمادهای مذهبی و غیرمذهبی در فیلم

نمادهای مذهبی و شیطانی	نمادهای غیرمذهبی (سکولار)	تحلیل تقابل و تعامل
مثلت	الگوی تقویمی	مثلت یک نماد و کهن با ارتباط شیطانی است که بر تثلیث شوم یا یک آیین خاص دلالت دارد. این نماد با الگوی تقویمی قتل‌ها ادغام می‌شود. تقویم یک ابزار کاملاً سکولار برای اندازه‌گیری زمان است. این ادغام نشان می‌دهد که آیین شیطانی در بافتاری از زندگی روزمره و عادی، با برنامه‌ریزی دقیق و منطقی، در جریان است. شر در زمان عادی و ملموس نفوذ می‌کند.
بشارت‌های شیطانی	تحلیل خط‌شناسی	نامه‌های رمزآلود لنگ‌دراز حاوی پیام‌ها و نمادهای شیطانی هستند و به عنوان "انجیل" یا "بشارت" شر عمل می‌کنند. اف بی آی سعی می‌کند این پدیده ماوراءطبیعی را با ابزارهای سکولار و علمی مانند تحلیل خط‌شناسی کند. این تقابل، مرکزی فیلم را نشان می‌دهد: ناتوانی عقلانیت مدرن (نمادینه شده توسط اف بی آی) در درک و مقابله با شری که ماهیتی کاملاً غیرعقلانی و ماوراءطبیعی دارد.
نماد بافومت (ضمنی)	سازمان اف بی آی	نماد بافومت به صراحت نشان داده نمی‌شود، حضور لنگ‌دراز به عنوان مجری اراده شیطان، به آن می‌دهد. این نماد نماینده یک ساختار قدرت اهریمنی و غیرمتمرکز است. در مقابل، اف بی آی نماینده ساختار قدرت سکولار، متمرکز و عقلانی دولت مدرن است. فیلم نشان می‌دهد که چگونه ساختار عقلانی اف بی آی در مواجهه با شبکه نامرئی و اهریمنی لنگ‌دراز کاملاً ناتوان و درمانده است.
قربانی کردن	قتل‌های سریالی	قتل خانواده‌ها توسط پدران، در سطحی یک سکولار و روان‌شناختی (قتل‌های سریالی) به نظر می‌رسد. اما پشت آن—که آیینی برای شیطان است—آن را به یک مذهبی یا "قربانی کردن" تبدیل می‌کند. فیلم این دو خوانش را در هم می‌تند تا نشان دهد که چگونه اعمال ظاهراً جنایی می‌توانند ریشه در کهن و شوم داشته باشند.

توضیح: فیلم «لنگ دراز» به طور مداوم نمادهای مذهبی/شیطانی و غیرمذهبی/سکولار را در هم می‌تند تا بر شکاف بین دنیای عقلانی مدرن و دنیای غیرعقلانی شرّ کهن تأکید کند. نیروهای سکولار (مانند اف بی آی) سعی می‌کنند تراژدی را با ابزارهای منطقی (تحلیل داده، علوم پزشکی و پزشکی قانونی) درک کنند، اما در نهایت شکست می‌خورند زیرا ذات شرّ از جنس دیگری است. فیلم پیشنهاد می‌کند که شرّ یک نیرو مستقل است که می‌تواند از ابزارهای کاملاً مدرن و سکولار (مانند عروسک‌های ساخت کارخانه، تقویم) برای پیشبرد اهداف کهن و آیینی خود استفاده کند. این تقابل، حس درماندگی و ترس عمیق‌تری ایجاد می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که عقلانیت و تکنولوژی مدرن نه تنها نمی‌توانند در برابر شرّ کهن محافظت کنند، بلکه ممکن است به تسهیل آن نیز کمک کنند.



شکل ۱۹- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۱۸- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۲۱- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز



شکل ۲۰- نمایی از سکانس در فیلم لنگ دراز

۱-۲- تحلیل روایت فیلم «لنگ داراز»

روایت فیلم «لنگ دراز» از ساختاری چندلایه و مبتنی بر رمزگشایی تدریجی بهره می‌برد که بیش از آنکه یک داستان خطی باشد، یک پازل روان‌شناختی و فراهنجاری است. فیلم در ژانر معمایی-ور OT قرار می‌گیرد و از دو محور روایی اصلی تشکیل شده است: اول، تحقیق پلیسی در مورد یک سری قتل‌های مرموز که قواعد و قراردادهای ژانر «قتل‌های سریالی» را دنبال می‌کند، و دوم، سفر شخصی و درونی قهرمان داستان، لی هارکر، برای کشف هویت واقعی خود و گذشته‌ای که از حافظه‌اش پاک شده است. این دو محور به‌طور هوشمندانه در هم تنیده شده‌اند؛ به گونه‌ای که حل معمای بیرونی (یافتن لنگ‌دراز) مستلزم حل معمای درونی (یافتن خاطرات فراموش شده لی) است.

فیلم با یک پیش‌درآمد رویایی و ترسناک در سال ۱۹۷۴ آغاز می‌شود که کلید رمزگشایی کل داستان را در خود دارد، اما معنای آن برای تماشاگر و برای خود لی (در آن زمان یک کودک) مبهم است. این صحنه، موتیف بصری و حسی فیلم (صداها، زمزمه‌وار، آرایش عجیب لنگ‌دراز، فضای نامطمئن) را ثابت می‌کند. راوی داستان، یک روایت سوم شخص محدود به دیدگاه لی است. ما جهان را از نگاه او می‌بینیم و می‌شنویم و تنها زمانی به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنیم که او به آنها دسترسی پیدا کند. این انتخاب روایی، حس همذات‌پنداری و درماندگی را در تماشاگر ایجاد می‌کند، زیرا ما نیز مانند لی در دریایی از نشانه‌های مرموز و توطئه‌ای که درکش نمی‌کنیم، غرق شده‌ایم.

پیش‌گویی محقق‌شده یک سازوکار کلیدی در پیشبرد روایت است. لی به دلیل قدرت شفاف‌بینی خود به این پرونده گماشته می‌شود، اما همین انتخاب، سرنوشتی را که سعی در جلوگیری از آن دارد، رقم می‌زند. این حلقه علیت معیوب، حس جبرگرایی و سرنوشت شوم و اجتناب‌ناپذیر را در کل فیلم حاکم می‌کند. روایت بر اساس کشف یک سری از "اشیای کلیدی" پیش می‌رود: نامه‌های رمزگذاری‌شده، عروسک‌ها، گوی فلزی، و در نهایت، عکس پولاروید. هر یک از این اشیاء مانند قطعاتی از یک پازل عمل می‌کنند که لی و تماشاگر را قدم‌به‌قدم به سمت حقیقت هولناک هدایت می‌کنند.

اوج‌گیری روایت نه در دستگیری فیزیکی لنگ‌دراز، که در صحنه افشای حقیقت در زیرزمین خانه مادری رخ می‌دهد. اینجاست که دو خط روایی بیرونی و درونی به هم می‌پیوندند. فلش بک یا روای القاشده، گمشده بزرگ، پازل، و خاطره ملاقات کودکی و معامله شوم مادر را آشکار می‌سازد. این لحظه، بازتعریف کامل تمام رویدادهای قبلی است: قتل‌ها، نقش راث، و دلیل هدف قرار گرفتن خود لی. این تغییر پارادایم روایی، داستان را از یک تریلر معمایی در مورد یک قاتل سریالی، به یک تراژدی شخصی و یک فاجعه فراهنجاری درباره تقدیر از پیش تعیین‌شده تبدیل می‌کند.

در نهایت، پایان باز و هشداردهنده فیلم صحنه بازگشت به لنگ‌دراز در اتاق بازجویی و بوسه او به دوربین یک حلقه روایی ایجاد می‌کند. این پایان مشخص می‌کند که اگرچه لی از چرخه قربانی شدن نجات یافته، اما خود لنگ‌دراز به عنوان یک نماد یا یک ایده، همچنان زنده است و تهدید او پایان‌نیافته است. این پایان، بر ماهیت چرخه‌ای و تکرارشونده شر تأکید دارد و روایت را از حل یک پرونده خاص فراتر برده و آن را به یک هشدار فراگیر و هستی‌شناختی تبدیل می‌کند.

۱-۳- تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

بر اساس تحلیل نشانه‌شناختی و روایت‌شناسی فیلم «لنگ دراز»، یافته‌های این پژوهش را می‌توان در ده بند زیر خلاصه و ارائه نمود:

۱. بازنمایی شیطان‌پرستی به مثابه یک شبکه نامرئی و سازمان‌یافته: یافته‌ها نشان می‌دهد فیلم شیطان‌پرستی را نه به عنوان یک مجموعه عقاید پراکنده، بلکه به عنوان یک سیستم منسجم، منطقی و بسیار برنامه‌ریزی‌شده بازنمایی می‌کند که از الگوهای دقیق (مانند تاریخ‌های تولد، نماد مثلث پیروی می‌کند. این بازنمایی، با تصویر رایج از شیطان‌پرستی به عنوان امری آنارشیک و کور در تقابل است و آن را به عنوان یک تهدید حساب‌شده و هوشمند جلوه می‌دهد.
۲. تلفیق امر قدسی شوم با امر عادی و مدرن: تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که فیلم به صورت هوشمندانه‌ای نمادهای کهن شیطانی (مانند آیین قربانی، اطاعت از مرد پایین را در قالب ابزارها و مظاهر زندگی مدرن (عروسک‌های کارخانه‌ای، تقویم، تحلیل خط‌شناسی توسط اف بی آی) جای می‌دهد. این تلفیق، حس ترس را تشدید می‌کند؛ چرا که نشان می‌دهد شر کهن نه تنها منسوخ نشده، بلکه خود را با ابزارهای دنیای معاصر تطبیق داده و در آن نفوذ کرده است.
۳. واژگونی نمادهای مذهبی و خانوادگی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فیلم به طور سیستماتیک به وارونه کردن نمادهای حافظ نظم اجتماعی می‌پردازد. «مادر» (راث) که نماد امنیت و محبت است، به عامل اصلی خیانت و نابودی تبدیل می‌شود. «خانه» که باید پناهگاه باشد، به مخفیگاه شیطان (زیرزمین) بدل می‌گردد. حتی نمادهای مذهبی (ظاهر راهبه‌وار راث) برای پوشاندن فساد درونی استفاده می‌شوند. این واژگونی، هسته اصلی هراس فیلم را تشکیل می‌دهد.
۴. ناتوانی عقلانیت مدرن در برابر شرّ فراهنجاری: داده‌ها به وضوح نشان می‌دهند که نهادهای عقلانی و سکولار نماینده‌شده در فیلم (اف بی آی) در درک و مقابله با پدیده‌ای با ریشه‌های ماوراءطبیعی کاملاً درمانده هستند. تکنیک‌های آنها (تحلیل منطقی، علوم برای رمزگشایی از انگیزه‌های آیینی لنگ‌دراز ناکافی است. این امر حاکی از یک گزاره محوری فیلم است: شرّی از این دست، خارج از پارادایم فهم مدرن قرار دارد و تنها از طریق درگیر شدن با دنیای نمادها و غریزه می‌توان با آن مواجه شد.
۵. نقش رسانه و ابزارهای ارتباطی به عنوان حامل شر: تحلیل فیلم نشان می‌دهد که رسانه‌های مختلف، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف شیطانی ایفا می‌کنند. نامه‌های رمزگذاری‌شده به عنوان «بشارت‌های شیطانی»، عروسک‌ها به عنوان «رسانه‌های انتقال نیروی اهریمنی» و تماس‌های تلفنی مرموز، همگی نشان‌دهنده آن هستند که شیطان‌پرستی در این بازنمایی، از ابزارهای ارتباطی برای نفوذ و کنترل استفاده می‌کند. این یافته، نگرانی معاصر درباره قدرت رسانه‌ها را بازتاب می‌دهد.
۶. تقدیرگرایی و ازپیش‌تعیین‌شدگی به عنوان ویژگی محوری گفتمان شیطانی: یافته‌ها حاکی از آن است که روایت فیلم بر پایه جبرگرایی شدید بنا شده است. لی از ابتدا «برگزیده» شده و نقش او در یک آیین بزرگ‌تر از پیش تعیین شده است. حس اجتناب‌ناپذیری سرنوشت که از طریق الگوی تقویمی و پیش‌گویی‌ها القا می‌شود، این ایده را تقویت می‌کند که گفتمان شیطانی بازنمایی‌شده، بر اساس ایده‌ای از «سرنوشت محتوم» و عدم وجود اختیار عمل می‌کند.
۷. بدن به عنوان صحنه نبرد و قلمرو کنترل: تحلیل نمادها نشان می‌دهد که بدن‌های شخصیت‌ها صحنه اصلی نبرد هستند. کنترل ذهن پدران از طریق عروسک‌ها، خودزنی لنگ‌دراز در بازجویی، و نهایتاً تلاش برای قربانی کردن روبی، همگی نشان‌دهنده آن هستند که گفتمان شیطانی در فیلم، برای تحقق اهداف خود به سلطه بر بدن‌ها و قربانی کردن آنها نیاز دارد. این امر بر جنبه مادی و فیزیکی این باورها تأکید دارد.
۸. ابهام به عنوان یک استراتژی روایی و معناساز: فیلم هرگز به صراحت به توضیح منشأ قدرت لنگ‌دراز یا ماهیت دقیق مرد پایین نمی‌پردازد. این ابعاد عمدی، به تماشاگر اجازه می‌دهد که ترس خود را بر اساس بدترین سناریو پر کند و در عین حال، تفسیرهای مختلفی (روانی در مقابل فراهنجاری) را ممکن می‌سازد. این استراتژی، باعث می‌شود که ترس عمیق‌تر و ماندگارتر شود، زیرا منشأ آن هرگز کاملاً شناخته نمی‌شود.
۹. اشاره متنی به تاریخچه فرهنگی ترس از شیطان‌پرستی: فیلم با هوشمندی به «هراس شیطانی» دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در آمریکا که در آن اتهامات توطئه‌های شیطانی و آزار جنسی علیه افراد مطرح می‌شد اشاره دارد. فیلم در دهه ۱۹۹۰ و تمرکز بر یک مأمور زن که سعی در اثبات یک توطئه دارد، هوشمندان این زمینه فرهنگی را فراخوانی می‌کند و فیلم را در بستر یک تاریخچه خاص از ترس جمعی قرار می‌دهد.
۱۰. پایان به مثابه تداوم شر: یافته نهایی این است که پایان فیلم، پیروزی سنتی ژانر را ارائه نمی‌دهد. اگرچه لی جان روبی را نجات می‌دهد، اما خودش به طور جبران‌ناپذیری آسیب دیده و عروسک نماد کنترل شیطانی نابود نمی‌شود. صحنه نهایی لنگ‌دراز که از پشت میله‌ها به دوربین می‌خندد، را نمایان می‌کند که ایده شیطان (و نه صرفاً عامل انسانی آن) زنده است و تهدید آن ادامه دارد. این پایان، بازنمایی شیطان‌پرستی را به عنوان یک نیروی پایدار و همیشه حاضر در جهان معاصر تثبیت می‌کند.

تداوم بازنمایی‌های گفتمان شیطان‌پرستی در قالب‌های جذاب و پنهان، به عادی‌سازی باورها و آیین‌های شیطانی در اذهان مخاطبان، به‌ویژه جوانان، می‌انجامد. این پیامدها در بلندمدت منجر به تحریف نظام ارزشی و اخلاقی جوامع مصرف‌کننده این محصولات رسانه‌ای می‌شود. همچنین، نوعی متمایزسازی اخلاقی و رواج نیپیلیسم فرهنگی در سطح مخاطب عام رخ می‌دهد. صنعت سینمای هالیوود با تولید آثاری مانند "لنگ دراز" که حاوی نمادها و مفاهیم شیطان‌گرایانه هستند، تأثیرات عمیقی بر فرهنگ عمومی و ارزش‌های اجتماعی می‌گذارد. این تأثیرات در چند سطح قابل بررسی است:

۱- عادی‌سازی باورهای ضددینی: تدریجی و نامحسوس بودن نمایش این مفاهیم در قالب آثار سرگرمی، باعث می‌شود مخاطبان به‌ویژه جوانان، به تدریج این باورها را به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی بپذیرند. وقتی نمادهای شیطانی در قالب مد، موسیقی یا حرکات روزمره نشان داده می‌شوند، مرز بین تابو و عرف محو می‌شود.

۲- تضعیف بنیان‌های اخلاقی: گفتمان شیطان‌پرستی که بر خودپرستی، لذت‌جویی افراطی و نفی محدودیت‌های اخلاقی تأکید دارد، می‌تواند به تدریج جایگزین ارزش‌های سنتی مبتنی بر دین و اخلاق شود. این تغییر در بلندمدت منجر به بحران معنویت و افزایش انومی اجتماعی می‌گردد.

۳- تغییر در نظام ارزشی نسل جوان: با تکرار و عادی‌سازی این مفاهیم در تولیدات فرهنگی پرمخاطب، به تدریج شاهد تغییر در الگوهای رفتاری و ارزشی نسل جوان خواهیم بود. مفاهیمی مانند احترام به مقدسات، خانواده و سنت‌ها جای خود را به فردگرایی افراطی و لذت‌طلبی بی‌قید می‌دهند.

۴- گسترش نیپیلیسم فرهنگی: ترویج این گفتمان می‌تواند به احساس پوچی و بی‌هدفی در جامعه دامن بزند. وقتی مفاهیمی مانند عشق، ایثار و معنویت به تمسخر گرفته می‌شوند، جامعه به سمت نوعی بی‌اعتمادی به هرگونه نظام ارزشی پیش می‌رود.

۵- تجزیه اجتماعی: این آثار با هدف قرار دادن باورهای مشترک جوامع، می‌توانند به تدریج پیوندهای اجتماعی را سست کنند. وقتی ارزش‌های مشترک یک جامعه مورد تردید قرار گیرند، انسجام اجتماعی کاهش یافته و فردگرایی افراطی جایگزین آن می‌شود.

۶- تأثیر بر کودکان و نوجوانان: این گروه به دلیل ویژگی‌های روانی خاص، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر این القائات دارند. نمایش نمادهای شیطانی در قالب شخصیت‌های جذاب و دوست‌داشتنی می‌تواند باعث جذب ناخودآگاه آنان به این مفاهیم شود.

۷- جهانی‌سازی فرهنگ ضددینی: هالیوود با استفاده از جذابیت‌های بصری و روایی خود، این گفتمان را به عنوان بخشی از فرهنگ جهانی معرفی می‌کند. این روند باعث می‌شود مخاطبان در سراسر جهان، این مفاهیم را به عنوان ارزش‌های مدرن و پیشرفته بپذیرند.

۸- کاهش حساسیت‌های اخلاقی: با تکرار نمایش این مفاهیم، به تدریج حساسیت جامعه نسبت به آنها کاهش یافته و به عنوان اموری عادی پذیرفته می‌شوند. این فرآیند که به "فرسایش اخلاقی" معروف است، خطرناک‌ترین تأثیر اینگونه تولیدات فرهنگی است. در مجموع، این پیامدها نشان می‌دهند که بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی در سینما صرفاً یک انتخاب هنری نیست، بلکه ابزاری برای مهندسی فرهنگی و تغییر ارزش‌های جوامع است. مقابله با این تأثیرات نیازمند آگاهی‌بخشی، تولید محتوای فرهنگی رقیب و نقد نظام‌مند اینگونه آثار است.

۱۱- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که فیلم لنگ دراز در ساختاری نرم و نمادین، گفتمان شیطان‌پرستی را بازنمایی می‌کند. این بازنمایی نه تنها در لایه‌های بصری بلکه در گفتمان‌های شخصیت‌ها نیز بازتاب یافته است. پیشنهاد می‌شود در حوزه مطالعات رسانه، تحلیل‌های انتقادی از فیلم‌های پرفروش هالیوودی با تمرکز بر مفاهیم معنوی و گفتمان‌های ایدئولوژیک بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین، تولیدات بومی با مضامین اخلاقی و جهان‌بینی توحیدی باید تقویت شود. تحلیل فیلم "لنگ دراز" به وضوح نشان می‌دهد که سینمای هالیوود از ابزارهای پیچیده و حساب‌شده‌ای برای القای پنهان مفاهیم شیطان‌پرستی استفاده می‌کند. این پژوهش با بررسی لایه‌های مختلف فیلم، از نمادهای تصویری و حرکات آیینی گرفته تا روایت و دیالوگ‌ها، الگویی نظام‌مند از بازنمایی گفتمان شیطان‌گرایی را شناسایی کرده است. این الگو نه تصادفی، بلکه محصول برنامه‌ریزی دقیق و هدفمندی است که به دنبال عادی‌سازی مفاهیم ضددینی و تغییر ارزش‌های فرهنگی مخاطبان است. تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این پدیده بسیار عمیق و نگران‌کننده است. از یک سو شاهد عادی‌شدن نمادها و باورهای شیطانی در میان جوانان هستیم و از سوی دیگر، بنیان‌های اخلاقی و دینی جامعه به تدریج تضعیف می‌شوند. این روند در بلندمدت می‌تواند منجر به بحران هویت فرهنگی، افزایش فردگرایی افراطی و از بین رفتن انسجام اجتماعی شود. کودکان و نوجوانان که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر این القائات دارند، اصلی‌ترین هدف این مهندسی فرهنگی پیچیده هستند.

مقابله با این چالش نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ای جامع است. افزایش سواد رسانه‌ای، تولید محتوای فرهنگی غنی و جذاب مبتنی بر ارزش‌های بومی، و نهادینه کردن نقد فرهنگی در جامعه از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند. این پژوهش نشان می‌دهد که بی‌توجهی به این پدیده می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای فرهنگ و هویت ملی به همراه داشته باشد. بنابراین، ضرورت دارد نهادهای فرهنگی و آموزشی با همکاری متخصصان رسانه و علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی دقیقی برای مواجهه هوشمندانه با این چالش انجام دهند. مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در حالی که تحقیقات قبلی مانند کار لندوال (۲۰۱۲) و رضایی (۱۳۹۸) عمدتاً بر بازنمایی صریح و آشکار مفاهیم شیطانی در ژانرهای وحشت و فانتزی متمرکز بودند، یافته‌های حاضر مؤید تحولی جدی در شیوه‌های القای این مفاهیم است. برخلاف پژوهش‌های گذشته که نمادهای شیطانی را عمدتاً در آثار آشکار و پرحاشیه ردیابی می‌کردند، این مطالعه نشان داد که هالیوود امروز به تکنیک‌های ظریف‌تر و پیچیده‌تری روی آورده و این مفاهیم را در قالب فیلم‌های به ظاهر معمولی و سرگرمی‌ساز تزریق می‌کند.

این تحول نشان‌دهنده هوشمندانه‌تر شدن سازوکارهای القای ایدئولوژیک در صنعت سینماست. در مقایسه با کارهای نظری پیشین، این پژوهش با تلفیق چارچوب‌های هال، فوکو و لوتمان، توانسته تحلیلی چندبعدی و جامع‌تر از پدیده ارائه دهد. در حالی که مطالعاتی مانند پژوهش پرتیوی و آردیانی (۲۰۲۵) صرفاً به تحلیل نمادها بسنده کرده بودند، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه نمادگرایی با روایت‌پردازی و گفتمان‌سازی ترکیب شده تا تأثیری عمیق‌تر بر مخاطب بگذارد. همچنین، برخلاف پژوهش‌های داخلی پیشین که بیشتر به توصیف پدیده پرداخته بودند، این مطالعه با ارائه تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی عمیق، مکانیسم‌های پنهان قدرت در این بازنمایی‌ها را آشکار ساخته است. تحلیل جامع فیلم "لنگ دراز" نشان می‌دهد که سینمای هالیوود به شیوه‌ای نظام‌مند و پیچیده در حال ترویج گفتمان شیطان‌پرستی از طریق تولیدات فرهنگی خود است. این پژوهش با بررسی لایه‌های مختلف نمادین، روایی و گفتمانی فیلم، به این نتیجه رسید که صنعت سینمای هالیوود از تکنیک‌های پیشرفته‌ای برای القای پنهان مفاهیم شیطان‌گرایانه استفاده می‌کند. این فرآیند که با عادی‌سازی نمادهای شیطانی، تغییر ارزش‌های اخلاقی و ترویج فردگرایی افراطی همراه است، تأثیرات عمیقی بر فرهنگ عمومی و نظام ارزشی جوامع می‌گذارد.

-پیشنهادهای کاربردی

پیشنهادهای پژوهشی:

- انجام مطالعات مشابه بر روی دیگر تولیدات پر فروش هالیوود
- بررسی تطبیقی بازنمایی گفتمان شیطان‌پرستی در سینمای هالیوود و سایر صنایع سینمایی
- مطالعه تأثیرات روان‌شناختی اینگونه فیلم‌ها بر مخاطبان در فرهنگ‌های مختلف

پیشنهادهای رسانه‌ای:

- تولید محتوای آموزشی برای افزایش سواد رسانه‌ای مخاطبان
- ساخت مستندهای تحلیلی درباره نمادگرایی پنهان در سینمای هالیوود
- ایجاد پایگاه‌های تخصصی نقد فیلم با رویکرد تحلیل گفتمان

پیشنهادهای فرهنگی:

- تقویت صنعت سینمای بومی با تولید آثاری مبتنی بر ارزش‌های اصیل فرهنگی
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای فیلمسازان درباره تکنیک‌های القای ایدئولوژیک
- ایجاد مراکز مطالعاتی برای پایش و تحلیل تولیدات فرهنگی خارجی

پیشنهادهای تربیتی:

- گنجاندن آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها
- برگزاری جلسات نقد و تحلیل فیلم برای نوجوانان و جوانان
- آموزش خانواده‌ها برای تشخیص محتوای القایی در تولیدات فرهنگی

این پژوهش نشان داد که مواجهه با این پدیده نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ای جامع است. تنها با آگاهی‌بخشی، تولید محتوای جایگزین و نهادینه کردن نقد فرهنگی می‌توان در برابر این مهندسی فرهنگی پیچیده ایستادگی کرد. آینده تحقیقات در این حوزه می‌تواند بر بررسی مکانیسم‌های مقابله با اینگونه القائات فرهنگی متمرکز شود.

منابع

- امینی، ارمین و رضایی، ریحانه، ۱۴۰۱، بررسی نقش بازنمایی‌های سینما در سیاست خارجی آمریکا

- بهمن سلطانی، شایان و چیت سازیان، امیرحسین، ۱۳۹۵، هالیوود و نگاه تحقیر آمیز به خاورمیانه مطالعه موردی فیلم های تولیدی هالیوود درباره ایران، دومین همایش بین المللی شرق شناسی، مطالعات ایرانی و بیدل پژوهی
- توکلی، مهدی و یوسف پور، احمد و قنبری سایل صدیق، محمدابراهیم، ۱۳۹۶، بررسی فرقه های انحرافی نوظهور (مطالعه موردی فرقه انحرافی شیطان پرستی)، دومین کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۲). بت‌های ذهنی و خاطره ازلی. تهران: فرزانه روز
- رضایی، مهدی. (۱۳۹۸). سینمای آخرالزمان: بازنمایی آخرالزمان در فیلم‌های هالیوودی. تهران: سوره مهر
- رحیم خانی، طاهره، و فاریابی، مرضیه. (۱۳۹۴). فرقه های انحرافی و استفاده ابزاری از هنر (مطالعه موردی نماد باستانی گردونه خورشید). همایش ملی باستان شناسی ایران.
- غفاری، علی و زاهدی، بهمن و صدساله، رقیه، ۱۳۹۶، بررسی شیطان پرستی و آسیب های اجتماعی آن، اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی
- قاسم زاده، سید کریم و آذری، غلامرضا و حسینیان، سید حامد، ۱۴۰۳، نقش سینمای صهیونیسم در زنده نگاه داشتن روایت هولوکاست: مطالعه موردی سه فیلم فهرست شیندلر، پیانست و زندگی زیباست
- Church, L. (2022). *Satanic Panic: Performance in the New Culture War. Theater in a Post-Truth World: Texts, Politics, and Performance*, 196.
- Dery, Mark. (2013). *Culture Jamming: Hacking, Slashing, and Sniping in the Empire of Signs*. Open Media.
- Danesi, M. (2024). *Semiotics with a Conscience: Decoding Dangerous Discourses*.
- Dyrendal, A. (2014). Satanism and popular music. In *The Lure of the Dark Side* (pp. 25-38). Routledge.
- Eckerström, P., & Hjelm, T. (2025). The unintended consequences of state-enforced religion: 'blasphemous' metal music as secondary deviation in Iran. *Religion*, 55(1), 1-19.
- Ercegovac, I. (2023). THE (D) EVIL-S PORTRAYAL IN HOLLYWOOD CINEMA AND TELEVISION: INVESTIGATING THE SOCIO-CULTURAL CONTEXT THROUGH POPULAR PRODUCTIONS. *Komunikacija i kultura online*, 14(14), 43-60.
- Fedorov, A., Levitskaya, A., Gorbatkova, O., & Mikhaleva, G. (2018). Professional risk: sex, lies, and violence in the films about teachers. *European journal of contemporary education*, 7(2), 291-331.
- Foucault, Michel. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings*. New York: Pantheon.
- Gu, X., Hassan, N. C., Sulaiman, T., Wei, Z., & Dong, J. (2024). The impact of video game playing on Chinese adolescents' academic achievement: Evidence from a moderated multi-mediation model. *PloS one*, 19(11), e0313405.
- Gough, C. (2024). Feminism, boomers and Baphomet: Satanic satire and the Trump era culture wars in *Satanic Panic* (2019). *European journal of American culture*, 43(1), 7-25.
- Hall, Stuart. (1997). *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*. London: Sage.
- Kim, S. (2011). The effects of internet use on academic achievement and behavioral adjustment among South Korean adolescents: Mediating and moderating roles of parental factors. Syracuse University.
- Lotman, Yuri. (1990). *Universe of the Mind: A Semiotic Theory of Culture*. Indiana University Press.
- Lindvall, Terry. (2012). *God on the Big Screen: A History of Hollywood and Religion*. NYU Press.
- Mohammadipour, F., Fathi, M., Amirkhani, M., Nouriyengejeh, S., & Pourabbasi, A. (2021). Comparison of behavioral concerns priorities among Iranian adolescent boys, parents and teachers: reporting the results of a modified Delphi. *International Journal of Community Based Nursing and Midwifery*, 9(1), 2.
- Oake, B. J. S. (2025). *The Satanic Cult Conspiracy: How online conspiracy theory discourses construct moral panic* (Doctoral dissertation, University of Leeds).
- Paulissen, P. C. J. M. (2021). The Devil's Music: Satanism and Christian Rhetoric in the Lyrics of the Swedish Heavy Metal Band Ghost. *Religions*, 12(3), 214.
- Pratiwi, R. D., & Ardiyanti, H. (2025). COMPARATIVE SEMIOTIC ANALYSIS OF SATANIC SYMBOLISM IN LONGLEGS: A STUDY IN HORROR NARRATIVES. *Jurnal Ilmu Komunikasi UHO: Jurnal Penelitian Kajian Ilmu Komunikasi dan Informasi*, 10(2), 423-435.
- Vnucko, G., Kralova, Z., & Tirpakova, A. (2024). Exploring the relationship between digital gaming, language attitudes, and academic success in EFL university students. *Heliyon*, 10(۱۳)